



مشارکت با هم ایمانان

مطالعه : اول قرتیان باب ۳

مشارکت چیست؟

چون عیسی مسیح زندگیش را با کلام خدا پر کرد و هرگز گناه نکرد از مشارکت با پدرش لذت برد. آنها از یک ذهن و یک هدف بودند. به همین خاطر است که مسیح می گوید من و پدر یک هستم (یوحنا باب ۱۷ آیه ۱۱) آنها یکی بودند زیرا یک طرز تفکر داشتند نه بخاطر اینکه بخشی از تثلیث بودند (درس ۱۶) آنها یکی بودند چون مسیح اراده خدا را کاملاً بجا آورد. مسیح دعا کرد پیرانش "بعد از این در جهان نیستم اما اینها در جهان هستم." (یوحنا باب ۱۷ آیه ۱۱) او می خواست که ایمانداران با او و پدر یکی باشند. وقتی تعمید می گیریم پسران و دختران خدا هستیم. او رابطه ای نزدیک با ما در زندگی می خواهد. ایمانداران تعمیدی می توانند با خدا و پسرش اکنون مشارکت کنند چون سعی در اجرای اراده خدا دارند اما هنوز مرتکب گناه می شوند. مشارکت کامل زمانی پدید می آید که جاودانه شده باشند و دیگر قادر به گناه کردن نباشند و تنها زمانی که با خدا یکی شده باشند. اعضای خانواده خدا یک وجه مشترک دارند، آنها بخاطر خدا و پسرش با هم مشارکت می کنند.

ما با تفکر در زندگی روزمره به این درک می رسیم وقتی می بینیم که مردم بخاطر علایق و تجربیات مشترک با هم دوست می شوند. بطور مشابه ایمانداران واقعی با یکدیگر بخاطر ایمان و امید مشترک و روش زندگی که متفاوت از بقیه است با هم مشارکت دارند. مشارکت مسیحی بر پایه ایمان در کلام خداست و از آنجایی که این امر برای ایمانداران واقعی بسیار حائز اهمیت است بر آنها بسیار تأثیر گذاشته به سبب آن با دیگر ایمانداران نیز مشارکت مستحکمی دارند. بنابراین مشارکت کتاب مقدسی رابطه ای خاص با خدا و عیسی مسیح به واسطه ایمان و تعمید است و به رابطه ای مستحکم با وجه مشترک پسران و دختران خدا بودن می انجامد. بنابراین هدفی مشترک و راه زندگی خواهد بود. در تمام دنیا مردان و زنان وقتی عضو خانواده خدا هستند با هم مشارکت می کنند. مشارکت مسیحی تنها به معنای کنار آمدن با یکدیگر نیست بلکه رابطه ایست روحانی که بر پایه ایمان مشترک خداست.

مشارکت یعنی اشتراک، مشارکت کتاب مقدسی یعنی مشترک بودن در ایمان، امید و پرستش خدا با هم

مقدس بودن

یوحنا رسول در مورد مشارکت در اولین نامه اش می نویسد. توضیح می دهد که ایمانداران واقعی کسانی هستند که حقیقت را در مورد عیسی مسیح باور داشته و سعی در عمل به آن دارند. مشارکت مسیحی تنها زمانی بین مردم وجود دارد که آنها رابطه ای نزدیک با خدا داشته باشند.

نکات	اول یوحنا باب ۱ آیه ۳ و ۵ تا ۷
خوانندگان یوحنا می توانند با او و دیگر ایمانداران مشارکت داشته باشند بواسطه آنچه از مسیح آموخته اند.	از آنچه دیده و شنیده اید شما را اعلام می نمایم تا شما هم با ما شراکت داشته باشید
مشارکت با خدا و عیسی مسیح اساس مشارکت ایمانداران با یکدیگر است	اما شراکت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است و این را به شما می نویسم تا خوشی ما کامل گردد
چون خدا عادل مطلق است نمی توانیم هم با او در مشارکت بوده و هم خود را خشنود سازیم ما باید تلاش کنیم تا برطبق اصول صحیح زندگی کنیم	خدا نور است و هیچ ظالمت در وی هرگز نیست اگر گوئیم که با وی شراکت داریم در حالی که در ظلمت سلوک می نماییم دروغ می گوئیم و به راستی عمل نمی کنیم.
در پی روشهای خدا می توانیم مشارکت با کسانی که در نور هستند را بیاموزیم و	لکن اگر در نور سلوک می نماییم پنهانکه او در نور است با یکدیگر شراکت داریم و
از بخشش گناهان لذت خواهیم برد	خون پسر او عیسی مسیح ما را از هرگناه پاک می سازد

برای لذت بردن از مشارکت با خدا و پسر او می بایست از دنیا جدا باشیم. عهد جدید به پیروان مسیح دستور می دهد که جدا از دنیا زندگی کنند این به معنای ترک دنیا نیست، این کار غیر ممکن است. بلکه به معنای متفاوت بودن از دنیاست و از روشهای غیر خدایی دوری کنیم همانند ابراهیم (عبرانیان باب ۱۱ آیات ۸ تا ۱۳) مسیح برای پیرانش دعا کرد که توسط خدا از شریر حفظ شوند در ادامه می گوید: "ایشان از جهان نیستند چنان که من از جهان نمی باشم. ایشان را به راستی خود تقدیس نما، کلام تو راستی است" (یوحنا باب ۱۷ آیات ۱۶ و ۱۷) دنیا توسط مسیح و شاگردانش مکانی برای شرارت تلقی شده بود (اول یوحنا باب ۲ آیات ۱۵ تا ۱۷) مکانی شده بود پر از انسانهایی که هیچ میلی در راستای امور خدایی نداشتند. و کارهایی انجام میدادند که برای یک مسیحی واقعی که فرامین خدا را انجام میدهد زندگی سخت میشد. یعقوب باب ۴ آیه ۴ میگوید: "کسانی که دوست دنیا هستند دشمن خدا تلقی می شوند". مردم دنیا معیارها و روشهای زندگی متفاوتی دارند آن چیز که برای ما حایز اهمیت است توجه آنها را جلب نمکند ما هرگز وقایع زندگی خود را برای مردم دنیا بازگو نمیکنیم. پس داشتن برادران و خواهران در مسیح که در عشق به کلام خدا با هم شریک هستند در معیارهای ما به ما کمک میکند افرادی که باورهای مذهبی اشتباهی دارند و همینطور کسانی که به خدا احترام نمی گذارند می توانند باعث منحرف شدن ایمانداران واقعی از خدا شوند.



آدم و حوا

آدم و حوا برای هم ساخته شده بودند و قرار بود به یکدیگر کمک و از هم حمایت کنند (پیدایش باب ۲ آیه ۱۸ را ببینید) ازدواج آنها مشارکت را نشان می داد. شراکت در تمام نعمات خدا و لذت بردن از کنار هم بودن، همکاری و شکر برای برکات خدا. این مشارکت بدین خاطر وجود داشت که هر دوی آنها با خدا یکی بودند. زن، مرد و خدا با هم هماهنگ بودند. وقتی آدم و حوا قانون خدا را شکستند (پیدایش باب ۳) مشارکت آنها با خدا نیز شکسته شد، خداوند مقدس است و گناه را نمی پذیرد و همینطور گناهکاران نیز نمی توانند در درگاه خدا حضور یابند. آدم و حوا باید باغ عدن را ترک می کردند و همینطور رابطه نزدیک خود با خدا را. گناه آنها بر روابط انسانی نیز تأثیر گذاشت. آدم، حوا را برای اتفاقی که افتاده بود سرزنش می کرد. این درسی برای ماست. تنها زمانی که ما "در روشنائی راه می رویم چون او در روشنائی است با یکدیگر مشارکت داریم" گناهان ما را از مشارکت با خدا باز داشته (اشعیا باب ۵۹ آیه ۲) و تأثیر زیادی بر مشارکت ما با خواهران و برادران ما دارد.

مشارکت در بنطیکاست

عکس العمل شگفت انگیزی در مقابل آموزشهای رسولان وجود داشت بسیاری به مرگ، رستاخیز و آموزهای مسیح ایمان آورده و تعمید گرفتند آنها از مشارکت با یکدیگر لذت بردند چون همگی آموزه های رسولان را پذیرفته بودند و اکنون هدف و روش زندگی متفاوتی داشتند آنها مشارکت خود را با شریک کردن در اموال خود و شکستن نان در خانه های خود نشان دادند. "در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند همه ایمانداران با هم می زیستند و در همه چیز شریک می بودند و املاک و اموال خود را فروخته آنها را به هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می کردند و هر روزه در هیكل به یک دل پیوسته می بودند و در خانه ها نان را پاره می کردند و خوراک را به خوشی و ساده دلی می خوردند" (اعمال باب ۲ آیات ۴۴ تا ۴۶)

این مثال ایمانداران قرن اول در مشارکت، شکستن نان و دعاها امری است که کریستادلفینی ها امروزه باید از آن پیروی کنند. آنها معیارهای متفاوتی از مردم دنیا داشته بنابراین بدنبال کسانی با اهداف مشترک هستند. هر هفته اعضا در مکانی مشترک همدیگر را ملاقات کرده تا خدا را پرستش کنند. و همانطور که مسیح خواسته با به جا آوردن عشاء ربانی او را یاد آور شوند.

شکستن نان

پیروان مسیح اگر می خواهند در حقیقت و عشق رشد کنند باید با هم در تماس باشند (عبرانیان باب ۱۰ آیات ۲۴ و ۲۵). شکستن نان برای به خاطر آوردن عیسی مسیح و نجات بزرگ او در مرکز مشارکت مسیحیان قرار دارد. با خوردن تکه ای از نان و جرعه ای از شراب ما بهای سنگینی را که مسیح با مردنش بر روی صلیب برای نجات ما پرداخت کرد به یاد می آوریم. این امر ما را تشویق میکند تا عهدی را که در تعمید خود بستیم به یاد آوریم. خدمت به خدا و نه خشنودی خود. اکنون زمانی است که باید از خود پیرسیم آیا واقعا در نور راه میرویم؟ به جا آوردن این عشاء ساده برای مشارکت در طرز فکر درست همانطور که در اول قرنتیان باب ۱۱ آیات ۲۶ تا ۲۹ می بینیم ضروری است.

وقتی با طلب بخشش از پسر خدا در فداکاری او تمرکز می کنیم با شرکت در این مشارکت به خدا نزدیکتر می شویم. نان و شراب نماد بدن و خون مسیح است. این امر جادویی اسرار آمیز در آنها نیست. برای مثال بر طبق باور غلط بعضی ایمانداران نان به بدن واقعی مسیح تبدیل نمی شود. مسیح به پاراناش گفت: "این را به یاد من به جا آورید" (لوقا باب ۲۲ آیه ۱۹) که تنها به ایمانداران واقعی اجازه می دهد که این کار را برای یادآوری انجام دهند. بنابراین کریستادلفینی ها تنها با دیگر اعضای تعمیدی این کار را انجام میدهند. (دوم قرنتیان باب ۶ آیه ۱۴ تا ۱۸)

اول قرنتیان باب ۱۱ آیات ۲۶ تا ۲۹

زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید موت خداوند را ظاهر می نمایید تا هنگامی که بازآید پس هر که بطور ناشایست نان را بخورد و پیاله خداوند را بنوشد مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود. اما هر شخص نه خود را امتحان کند و بدین طرز از آن نان بخورد و از آن پیاله بنوشد. زیرا هر که می خورد و می نوشد فتوای خود را می خورد و می نوشد اگر بدن خداوند را تمیز نمیکند

آنها درک کرده اند که مشارکت با افرادی که ایمان مشترک به کتاب مقدس داشته و اهداف را همانگونه که هست قبول کرده اند بسیار حایز اهمیت است. (اول تیموتائوس باب ۱ آیات ۱۳ و ۱۴). تیطس باب ۲ آیه ۱ را ببینید. اگر با تعمید در مسیح یک کریستادلفینی شوید دیگر کریستادلفینی ها برادران و خواهران شما هستند (بیادآورید که کریستادلفین به معنای برادران در مسیح است). عضوی از این خانواده شدن لذتی است بزرگ. کریستادلفینی ها در مسیح یک هستند (غلاطیان باب ۳ آیات ۲۷ و ۲۸) ما در مورد شکستن نان با مسیحیان قرن اول در روز یکشنبه اول هفته هم نظر هستیم. (اعمال باب ۲۰ آیه ۷ اول قرنتیان باب ۱۶ آیه ۲) پس کریستادلفینی ها نیز معمولاً در روز یکشنبه این امر را انجام میدهند این واقعه با سبت (شنبه) متفاوت است.



روح و راستی

زنی سامری از مسیح پرسید که آیا مردم باید برای پرستش به کوه جرزیم بروند (نزدیک مکانی که صحبت میکردند) و یا باید به اورشلیم بروند. مسیح به او جوابی داد که برایش غافلگیر کننده بود و گفت: "مکان هیچ اهمیتی ندارد" و در ادامه افزود: "لیکن ساعتی میاید بلکه آآن است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است." (یوحنا باب ۴ آیه ۲۳) هفتاد سال پس از میلاد مسیح حدود چهل سال بعد از به صلیب کشیدن مسیح اورشلیم و کوه جرزیم نمی توانستند مکانی برای پرستش استفاده شوند چون ارتش روم سرزمین اسراییل را جارو کرده و تمام مکانهای مذهبی را نابود کرده بودند آن دسته از یهودیانی که از جنگ نجات یافته بودند و فرار نکرده بودند به اسارت برده شده و به عنوان برده فروخته شدند پس اگر مذهب آنها بر پایه مکانهای مقدس و معبدها می بود می بایست عبادت خدا برای همیشه فراموش می شد. مسیح نشان داد که پرستش واقعی هیچ ارتباطی به مکانها و معابد ندارد در عوض بر پایه ایمان راستی و احترام است. "روح و راستی" این نقل قول ترکیب بسیار مهم است افرادی امروزه ادعا می کنند که روح را داشته و یا توسط آن هدایت می شوند اما وقتی با آنها صحبت می کنید به زودی در می یابید که آنها اطلاعی از آموزه های حقیقی کتاب مقدس ندارند. ممکن است بر این باور باشند که پس از مرگ به بهشت میروند در صورتی که کتاب مقدس به طور واضح نشان میدهد که پادشاهی خدا بر روی زمین برقرار خواهد شد و یا ممکن است بر این باور باشند که عیسی مسیح بخشی از یک تثلیث است در صورتی که کتاب مقدس می آموزد که زندگی مسیح با تولد او و توسط قدرت خدا "روح القدس" بر مریم آغاز شد.

افرادی که ادعا بر مالکیت این روح دارند و حقیقت کتاب را نمی دانند حتماً در اشتباه هستند. پرستندگان واقعی امروزه توسط مکانهای بزرگ پرستش و کلیساها متحیر نمی شوند. کلیسای واقعی نه به ساختمان بلکه به مردم اهمیت می دهد و تعداد آنها اصلاً مهم نیست، آنچه حائز اهمیت است این است که آنها بر چه باوری هستند و چگونه خدا را می پرستند. داشتن روحی پاک و درست بسیار خوب است اما این روح از ایمان به حقیقت کتاب و انجام دستورات خدا بدست می آوریم.

مکان زندگی خدا

ایمانداران واقعی مکان زندگی خدا هستند. او می خواهد هرروز زندگی را در آنها باشد. پولس به کلیسای قرنتس گفت: "آیا نمی دانید که هیكل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟" (اول قرنتیان باب ۳ آیه ۱۶، همچنین افسسیان باب ۲ آیه ۱۹ تا ۲۲ را نیز ببینید) مکان کلیساها اهمیتی ندارد. مسیح هرگز کلیسای ساخت و هیكل عظیم در اورشلیم را لانه دزدان توصیف کرد. او می خواست که شاگردانش از او پیروی کنند و نه از کاهن معبد. شام آخر او در اتاقی در اورشلیم برگزار شد و رسولان پس از آن برای پرستش آنجا جمع می شدند (اعمال باب ۱ آیه ۱۳). خدمت های شاگردان در کلیسای اولیه در خانه ها (کولسیان باب ۴ آیه ۱۵) و یا اتاق های اجاره ای (اعمال باب ۲۸ آیه ۲۳ تا ۳۱) صورت می گرفت.

پرستش با هم و یا جدا

بجای کلمه کلیسا کریستادلفینی ها از اکلیزیا استفاده می کنند (کلمه یونانی برای کلیسا در کتاب مقدس که به معنای افراد فرا خوانده شده است). کلمه کلیسا در کتاب مقدس به ساختمان اشاره نمی کند بلکه به افرادی که از سرتاسر دنیا فرا خوانده شده اند، آنها با یکدیگر ملاقات کرده تا نان را بشکنند، کلام خدا را مطالعه کنند و همینطور در جلساتی برای آموزش کلام به افراد غیر تعمیدی شرکت کنند. بعضی از اکلیزیاها فعالیتهایی برای کودکان نیز دارند. همانند ایمانداران قرن اول هیچ کشیشی وجود ندارد چون عیسی مسیح کاهن اعظم ماست. مردان ایماندار (برادران در مسیح) در مسئولیت خدمت با هم شریک می شوند. در مراسم نان و شراب یکی از برادران جلسه را هدایت می کند، سرود را آماده کرده و مطالعات و دعاها را مشخص کرده و به دیگران نیز برای کمک در این خدمت مسئولیت هایی محول می کنند. برادر دیگر سخنرانی کوتاهی برای تشویق حضار انجام داده که به آن پند می گویند. وقتی افراد حاضر در شرایط کاملاً مناسبی برای یادآوری مسیح قرار گرفتند مراسم نان و شراب با هم انجام می شود. دقیقاً همانگونه که سالیان پیش مسیح در شام آخر آن را بجا آورد. (لوقا باب ۲۲ آیات ۱۴ تا ۳۰ را بخوانید) معمولاً در زمان مراسم نان و شراب پولهایی نیز جمع آوری می شود و این فرصتی است برای افرادی که می خواهند کمک کنند (اول قرنتیان باب ۱۶ آیه ۱ تا ۳) هیچکس نمی داند که هر فرد چه مقدار کمک می کند. این امر همانند عمل مشارکت و یا تشکر از خدا برای محبت او در دادن مسیح حائز اهمیت است. از پولهای جمع آوری شده به طرق مختلفی استفاده می شود که شامل پشتیبانی از عمل آموزش و یا حمایت از اعضای تنها و یا بیمار می شود. اگر کریستادلفینی ها تنها باشند در تنهایی خود مراسم نان و شراب را بجا می آورند اما همچنان با تمام کریستادلفینی های دنیا که در همان روز این مراسم را بجا می آورند در مشارکت هستند. اینگونه اگر ایماندارانی که در آن منطقه هستند را فراخوانیم باعث خشنودی خداوند شده و به طبع باعث رشد اکلیزیایی جدید از پرستندگان می باشیم.

خلاصه:

- ۱) مشارکت رابطه ای خاص است که یک ایماندار به واسطه ایمان و تعمید خود از خدا و مسیح لذت می برد. این امر منجر به رابطه بین افرادی می شود که ایمان و روش زندگی مشابهی دارند.
- ۲) ایمانداران واقعی نمی توانند با کسانی که حقیقت کلام را نپذیرفته اند در مشارکت باشند.
- ۳) ما باید توسط تمرکز، دعا و مطالعه کتاب در پی مشارکت با خدا و عیسی مسیح باشیم.
- ۴) نزدیکترین مشارکت با خدا، مسیح و دیگر ایمانداران زمانی برقرار می شود که ما نان و شراب را در مراسم عشای ربانی با هم اجرا کنیم.
- ۵) مشارکت کاملی با خدا در پادشاهی او بر روی زمین برگزار میشود.



آیه ای برای مطالعه

دوم قرنتیان باب ۶ آیه ۱۶

متونی برای مطالعه

اول یوحنا باب ۱

اول قرنتیان باب ۱۰

